

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و هفتم ۱۳۹۶/۰۹/۲۰

لزوم پاسخگویی روشمند به شبهات (۲۶) - شایستگی های لازم یک پاسخگو به شبهات (۱۲)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

در رابطه با شرایط کسانی که می‌خواهند در مناظره و یا در پاسخگویی به شبهات حضور داشته باشند یک سری شرایط ذاتی بود که در جلسات گذشته به تفصیل عرض کردیم. و یک سری شرایط اکتسابی است که این‌ها باید در طرف مقابل باشد.

یکی از آن‌ها «تسلط به مبانی اعتقادی شیعه» است که انسان از مباحث توحیدی گرفته، تا مباحث نبوت، امامت و معاد و همچنین مبانی فقهی شیعه، باید مسلط باشد. چون وقتی طرف مقابل در جواب عاجز می‌ماند خودش را به هر در و دیوار می‌زند از باب این‌که «أن الغریق یتشبث بکل حشیش» تلاش می‌کند در مباحث امامت اگر کم آورد در مسئله توحید می‌رود، در توحید کم آورد روی بحث نبوت می‌رود. در نبوت کم آورد روی بحث معاد می‌رود. در آن‌جا کم آورد روی بحث‌های فقهی می‌رود یا حتی سراغ روایات اخلاقی می‌رود. لذا انسان در تمام این موارد باید مسلط باشد.

اولاً آن اصول اولیه شیعه را کاملاً از ریز تا درشت باید یک دوره‌های کامل هم به صورت فشرده و هم به صورت مبسوط مطالعه کند. و مضافاً مطالعه کردن این مباحث مشکلی را حل نمی‌کند انسان باید یک سری اصول و مسلماتی را حفظ کند و در ذهن بسپارد.

چون انسان این مباحث را که مطالعه می‌کند چند ساعتی بیشتر مهمان ذهنش نیست و در حافظه موقت هم مطلب خیلی نمی‌ماند. لذا ما باید تلاش کنیم مباحثی را که مطالعه می‌کنیم در همه حوزه‌ها از این‌ها یادداشت برداری کنیم هم به صورت یک فایل مفصل و بعد از فایل‌های مفصل، فایل‌های تلخیصی بگیریم.

یعنی تلاش کنیم آن مباحث اساسی را که بررسی کردیم و جواب شبهات آن‌ها و مبانی اعتقادی خودمان را مطالعه کردیم، از هر فایل مفصل، یک فایل ۱۰ صفحه‌ای را حداقل نیم صفحه، اختصار برایش داشته باشیم.

این اختصار، به درد این می‌خورد که ما در طول هفته روزهایی را باید قرار بدهیم که به این مباحث تلخیصی خودمان مراجعه کنیم. چون مباحث فرّار است. انسان یک مطلبی را که می‌بیند بعد از سه ماه و یا چهار ماه هیچ اثری از آن مطلب در ذهن آدم نیست. بلکه به صورت فرّار از ذهن آدم فرار کرده است.

دوستانی که حافظ قرآن هستند معمولاً برنامه‌شان این است که در طول هفته، یک دوره از اول تا آخر قرآن را مرور کنند اگر دو سه ماه مرور نکنند خیلی از آیاتی که حفظ کردند از ذهن‌شان می‌رود.

لذا دوستان اگر بتوانند یک دفترچه‌ای را درست بکنند این مطالب را پرینت بگیرند در جیب‌شان داشته باشند در تاکسی و خط واحد نشستند یا در صف نماز جماعت می‌روند پنج دقیقه، ده دقیقه زودتر آن‌جا رسیدند وقت بی‌خود تلف نشود و این مطالب را مطالعه بکنند.

نقل می‌کنند - البته من این روایت را ندیدم - پرداختن به مباحث علمی حتی در شب قدر، هفتاد برابر نماز و قرآن خواندن و دعا خواندن ثواب دارد!! یعنی شب قدری که افضل از هزار ماه است، انسان اگر به کارهای علمی و دینی برسد، پاداشش هفتاد هزار ماه می‌شود!!

مرحوم صاحب مفتاح الکرامه در آخر جلد ۳ یا ۴ مفتاح الکرامه می‌نویسد که من در شب ۲۳ ماه رمضان این مطلب و این کتاب را تمام کردم در حالی که مردم همه در حرم حضرت امیر و در مساجد و تکایای در نجف، مشغول دعا و نماز بودند و من مشغول کار علمی بودم و یقین دارم پاداش من هفتاد برابر آنها است.

لذا لازم است که ما مقداری نسبت به صرف وقتمان دقت بکنیم. البته من خودم شخصاً عقیده‌ام این است که ما یک وقت خاصی را برای دعا قرار بدهیم. یک وقت خاصی برای قرائت قرآن‌مان قرار بدهیم. چون اینهاست که ما را موفق به کارهای علمی می‌کند.

طلبه‌ای که قبل از اذان صبح بیدار نشود و در آن وقت خصوصی، - به تعبیر صاحب جواهر که می‌گوید قبل از اذان صبح، وقت ملاقات خصوصی خدا با بندگانی است که دوستش دارد؛ - آن لحظه بیدار نشود و این سیم را با بالا متصل نکند، قطعاً روزانه در کارهایش موفق نخواهد بود و هیچ شک و شبهه‌ای در این نیست. موفق هم باشد این موفقیت دائمی نیست و با برکت نخواهد بود.

به تعبیر بعضی از بزرگان (مرحوم شهید قدوسی) وقتی طلبه‌ای وقت نماز شب بیدار باشد و نماز شب نخواند من آن طلبه را ظالم می‌دانم!!

خود امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرماید تمام آن‌هایی که به یک مقامی رسیده‌اند همه اهل تهجد بودند و از این جا به آن مقامات علمی رسیدند. یا در آیه قرآن خطاب به نبی مکرم می‌فرماید:

(وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا)

سوره اسراء (۱۷): آیه ۷۹

خدای عالم، مقام محمود پیغمبر را محول به تهجد و نماز شب می‌کند. ما به خواندن زیارت آل یاسین باید ملتزم باشیم. هر روز بعد از نماز صبح‌مان بخوانیم. خیلی برکت دارد. و خیلی ارتباط انسان را با حضرت ولیعصر قوی می‌کند. زیارت عاشورای‌مان نباید ترک بشود. این توصیه حضرت مهدی (ارواحنا فداه) است به آن «سید رشتی» است که فرمود چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشوراء، عاشوراء. ولو با یک بار لعن و سلام را گفتن. این که صد بار بگوییم آن‌هایی که پیاده روی دارند یا در ماشین نیم ساعت از پردیسان می‌خواهند این‌جا بیایند، صد بار لعن و سلام را در راه بگویند مشکلی ایجاد نمی‌کند.

دعای توصیه شده دیگر، زیارت جامعه کبیره است که باز توصیه حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) است که فرمودند چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه. این ملاقات مرحوم «سید رشتی» را با حضرت ولیعصر ملاحظه بفرمایید. مرحوم محدث قمی هم در مفاتیح آورده است.

این دو سه تا مسئله از ضروریات یک طلبه است. یعنی طلبه‌ای که اهل تهجد نباشد، اهل زیارت عاشورا و جامعه نباشد، باید یک مقداری در طلبه بودنش تجدید نظر داشته باشد.

لازم است که یک طلبه به اندازه کافی ارتباطش را با الله و با حضرت ولیعصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفدا) برقرار کند که همه چیزمان مربوط به اوست:

« وَ يُمْنِيهِ رُزْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تُبْتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ »

مفاتیح الجنان؛ دعاء العديلة الكبير

بعد از ارتباطات معنوی، باید تلاش کنیم و از تمام زمانهای ممکن استفاده کنیم تا آن مبانی اعتقادی خودمان را مسلط بشویم. الان در موبایل‌های هوشمند فایل وردی را می‌شود استفاد کرد. همین که راه می‌رود و یا موقع خوابیدن آدم این مطالب را مرور کند.

یک طلبه موفق باید تلاش بکند موضوعاتی که ضرورت دارد آنها را بداند، که ۵۰، ۶۰ یا ۱۰۰ موضوع است برای هر موضوع یک فایلی را درست بکند و مطالب اساسی را در آن فایل قرار بدهد و مدام مرور کند. چون گاهی اوقات ضروری و یا در بحثها انسان به آن نیاز پیدا می‌کند و در آن لحظه هم نمی‌تواند برود مطالعه کند، تحقیق کند و یا بررسی کند. همچنین در رابطه با علوم مقدماتی، باید عرض کنیم که طلبه‌ای که در این حوزه می‌آید فراگیری علم صرف، علم نحو، منطق مخصوصاً «کلیات خمس»؛ قطعاً ضروری است و خوب باید رویش کار بکند. بحث معانی بیان و قواعد آن خیلی وقت‌ها به درد آدم می‌خورد، و نیز فقه و اصول.

من معتقدم طلبه‌ای که می‌خواهد در بحث مناظره و یا در حوزه پاسخ به شبهات وارد شود، باید تلاش کند خود را به مرحله «مجتهد متجزی» برساند. چون پاسخگویی به شبهات از همان باء بسم الله آن، یک نوعی اجتهاد است. تا آن ملکه اجتهاد برای ما حاصل نشود، در رابطه با پاسخگویی به شبهات یا در مناظرات نمی‌توانیم سربلند بیرون بیاییم. کسی که صرف و نحو درست نداشته باشد، در بحث مناظره، یک حدیث را غلط بخواند طرف مقابل تحقیرش می‌کند، روحیه‌اش را می‌بازد و نمی‌تواند جلو برود. یک شبهه را بخواند جواب بدهد، اگر صرف و نحو درست نباشد نمی‌تواند متوجه بشود. یعنی اگر انسان فعل و فاعل و مفعول را نتواند تشخیص بدهد معنای روایت را نمی‌فهمد.

من معتقد هستم آن‌هایی که در آغاز کار هستند، باید واقعاً اساسی کار کنند. آن‌هایی که به مرحله بالا آمده‌اند یک هم مباحثه‌ای را پیدا بکنند، روزی یکی دو ساعت را به این مسائل اختصاص بدهند تا این مباحث صرف و نحو را مسلط بشوند.

خدا آیت‌الله شیخ محمد شاه آبادی استاد زاده امام را رحمت کند، بعضی وقت‌ها ما خدمت ایشان می‌رفتیم می‌دیدیم ایشان دارد صرف میر مطالعه می‌کند، انموذج و صمدیه مطالعه می‌کند. می‌گفت من معمولاً هر هفته تلاش می‌کنم که جامع المقدمات را از اول تا آخر دوره کنم.

لذا ما باید یک مقداری دقت کنیم و یک بخشی از وقت‌مان را اختصاص بدهیم به این‌که خودمان را حداقل به حالت مجتهد متجزی در بیاوریم. آن ملکه اجتهاد را در خودمان باید ایجاد کنیم. در غیر این صورت راه به جایی نمی‌بریم.

البته من خودم هم دوست دارم، فرصت داشته باشم که یک دوره فقه خیلی مختصر از اول، از همان مسئله تقلید، از همان توضیح المسائل نه عروه؛ شروع کنم یک بحثی داشته باشم تا آخر رساله عملیه بروم. که مثلاً وقتی مسئله تسبیحات اربعه مطرح می‌شود؛ سه مرتبه است یا یک مرتبه؛ مدرک این چه است؟

یا فرض بفرمایید در رکوع باید فلان کار را کرد در سجده فلان کار، فلان شکایات حکمش این است. ببینیم پشت پرده‌اش چه است؟ اگر این را آدم بتواند یک دوره در عرض دو سه سال یک دوره فقه را به صورت اجمالی نه تفصیلی، که ۳۰ سال ۴۰ سال طول می‌کشد؛ بگوید خیلی خوب است.

چون ما سراغ نداریم هیچ کدام از مراجع یک دوره فقه را تدریس و تمام کرده باشند ولی اگر بشود خوی است انسان یک دوره فقه را از همان تقلید شروع کند نه از روی عروه، عروه فروعات خیلی زیادی دارد فقط اجتهاد و تقلیدش دو، سه سال طول می‌کشد انسان بتواند تمام بکند. ولی اجتهاد و تقلید توضیح المسائل آقایان مراجع، خیلی مختصر است و بعضی‌ها هم مکرر است. یعنی انسان بیاید پنج شش تا مسئله در بحث تقلید استنباطی کار کند. یا در قسمت طهارت بیاید اهم موضوعات طهارت را انتخاب بکند و ببیند مدرک این چه است؟ مدرکش آیه قرآن است؟ یا روایت است؟ میا اصول عملیه است؟ یا اصول عقلیه است؟ همین اندازه هم اگر انسان کار بکند خوب است.

من معتقدم اگر انسان ۱۰۰ تا ۱۵۰ مسئله از مسائل فقهی را خوب، نه زیاد؛ پشت پرده‌اش را به دست بیاورد که آیا این پشت پرده‌اش آیه، روایت، اصول، اجماع و عقل است؛ به گمان من آن ملکه اجتهاد برایش حاصل می‌شود. ملکه اجتهاد یک چیز بغرنج و در آسمان‌ها نیست که دست‌ما به آن نرسد. زیر زمین هم نیست که ما بخواهیم زمین را بشکافیم.

این‌ها در اثر ممارست به دست می‌آید. یعنی کسی که ده پانزده سال در حوزه بوده با اصول اولیه ولو در حد خیلی اجمالی آگاهی دارد، تحصیل ملکه اجتهاد به نظر من خیلی زیاد سخت نیست. گرچه بعضی‌ها خیلی بالا و مهم و سخت قرار می‌دهند. ولی به نظر من اینگونه نیست!

پرسش:

نظرتان در مورد کتب جدید و تلخیص‌هایی که شده چیست؟

پاسخ:

تلخیص‌ها برای کسی که خودش می‌خواهد تلخیص بکند مناسب است. انسان خودش بخواهد تلخیص بکند در ذهنش بیشتر می‌ماند تا از تلخیص دیگران استفاده کند. ولی الان وقت آنچنانی ما برای تلخیص نداریم. بله یک کسی می‌خواهد واقعاً فقیه و مجتهد بشود باید هم تمام تلخیص‌ها را و هم تفصیلات را ببیند.

ولی اگر کسی نمی‌خواهد در آینده مجتهد بشود، می‌خواهد مبلغ شریعت باشد. از شریعت دفاع بکند. این دیگر به اندازه کافی همین مختصرات را خوب حفظ کند به طوری که از این تلخیص‌ها در استنباط احکام شرعی بتواند استفاده بکند، کافی است.

بعضی تلخیص‌ها، تلخیصی است که واقعاً مخل است و به درد نمی‌خورد. خواندن یا نخواندنش فایده‌ای ندارد. تفصیلاتی هم که مُمیل باشد آن هم به درد نمی‌خورد. «خیر الأمور اوسطها»

به نظر من یک دوره فقه مبسوط دیدن برای یک طلبه‌ای که می‌خواهد در دفاع از شریعت اقدام بکند اتلاف وقت است. همین اندازه که آدم بتواند ۱۰۰ مسئله فقهی را خودش به دست بیاورد، این در حقیقت آن ملکه ولو به صورت تجزی در اختیارش قرار می‌گیرد.

کتاب «مستمسک عروه» کتاب خوبی است. مرحوم آقای حکیم، خدا روح‌شان را شاد کند، من شخصاً خیلی از این کتاب استفاده می‌کنم. یعنی اگر کسی «مستمسک» آقای حکیم را ببیند و «مستند» آقای خوبی را هم ببیند، در حقیقت تا حدودی مبنا دستش می‌آید که اصلاً پشت پرده این مسائل فقهی ما چیست؟!

ولی خواندن یک کتاب خاص حالت تقلیدی است. آن روحیه اجتهاد را برای آدم نمی‌آورد. خوب است که انسان دو سه تا کتاب را بخواند. یا مثلاً مستمسک عروه را ببیند مستند آقای خوبی را ببیند، از آن طرف جواهر را هم یک مطالعه ای بکند یا مستند مرحوم نراقی را هم ببیند. حداقل یکی از این اخباری‌ها را داشته باشد؛ دو سه تا کتاب هم از آقایان اصولی‌ها را داشته باشد. چون مبناها با همدیگر خیلی فرق می‌کند.

کتاب «حدایق» مرحوم صاحب حدایق خیلی خوب است. البته حدایق اسمش این است که اخباری است ولی در اصولی بودنش از خیلی از اصولی‌ها، ایشان اصولی‌تر هستند و در بحث‌های رجالی و غیره ایشان یک فحلی است. با این‌که ایشان در مقدمه‌اش در جلد اول؛ با ذکر شانزده هفده نکته، ثابت کرده که ما احتیاجی به علم رجال نداریم! ولی عملاً در بحث‌هایش، هم مباحث اصولی را مطرح می‌کند. هم مباحث عقلی را مطرح می‌کند و هم اجماع و بحث‌های رجالی را مطرح می‌کند.

البته این کتاب، در مقایسه با «جواهر» یک کتاب خیلی آسانی است. یعنی مثل این که جواهر یک کتاب دانشگاهی است ولی حدایق در حد اول یا دوم دبیرستان است. عبارتهایش هم عبارتهای خیلی ساده و سهل است. من گمان می‌کنم اگر کسی یک جلد از لمعه را خوب خوانده باشد، همه‌ی مطالب حدایق را از اول تا آخرش را می‌فهمد.

ولی در مورد «جواهر»، اگر کسی خوب «کفایه» را نخوانده باشد در فهمیدن مطالب جواهر به مشکل بر می‌خورد. جواهر در خیلی از جاها عبارتهایش خیلی پیچیده و سخت است و بعضی از لغاتی استفاده کرده که فهمیدنش احتیاج به مطالعه بیشتر و مراجعه بیشتر به کتاب‌ها دارد. خدا صاحب جواهر را رحمت کند، اصلاً قلم ایشان یک مقداری سنگین است

لذا من خیلی دوست دارم که از دوستان هم عده‌ای انتخاب بشوند و یک دوره فقه خیلی اجمالی را بیان کنیم. یعنی به گونه‌ای باشد که در دو سه سال از اول اجتهاد تا آخر ارث، به راحتی بیان کنیم و تمام بشود.

یعنی ما بیائیم در هر بابی اهم مسائل آن باب را مطرح کنیم و بقیه را به دوستان واگذار کنیم. مثلاً ۱۰ تا مسئله است، دو سه تایش را بررسی کنیم و مابقی آن را هم خود دوستان بروند بررسی کنند و بیایند توضیح بدهند.

به عقیده من بحث‌های خارج که الان برقرار است خوب است ولی بحث خارج مجتهد پرور نیست!! بحث خارج مجتهد پرور این است که فرض کنید استاد بیاید دو مسئله را بررسی کند، ادله‌اش را بگوید، پنج مسئله را هم به شاگرد واگذار کند تا او برود بررسی کند بیاید بیان کند و استاد اشکالش را بگیرد. اگر اینگونه کار بشود، در عرض یکی دو سال، طلبه به آن اجتهاد مطلوب می‌رسد.

و البته این هم با کلاس‌های هزار نفری، دو هزار نفری امکان‌پذیر نیست. مثلاً شهید ثانی (رضوان الله تعالی علیه) یک کلاس عمومی داشت، چند هزار نفر شرکت می‌کردند. یک کلاس خصوصی داشت پسرش صاحب معالم و صاحب مدارک در آن کلاس شرکت می‌کردند.

از آن کلاس هزار نفری اش ما آثاری ندیدیم ولی از کلاس دو نفره اش، هر دو نفر از فحول شیعه شدند. شما اگر «منتقی الجمان» صاحب معالم را مطالعه کنید، احساس می‌کنید که واقعاً دریایی از علوم را ایشان در آن دو جلد آورده و بحث کرده است. یا شما کتاب «مدارک» را ببینید. هر فقیه‌ی بخواهد در کار فقاقت کار کند بی‌نیاز از «مدارک» نیست.

در هر صورت؛ این جلسات خصوصی مشروط بر این‌که هم استاد وقت بگذارد و هم شاگرد به این شکل که گفتیم کار بکند. اینگونه باشد به درد می‌خورد.

ما خودمان هم در بحث‌های کلامی که ۲۰ سال در حوزه علمیه، درس «رجال» تدریس می‌کردیم، اسمش «رجال» بود، ولی هم کلام بود، هم اخلاق بود و هم چیزهای دیگر. نزدیک به ۱۰ هزار طلبه در بحث ما آمدند و رفتند. از این ۱۰ هزار نفر طلبه، ما چهار پنج نفر بیشتر نتوانستیم بالا بیاوریم. که البته تحدی هم می‌کنیم که آقای «ابوالقاسمی»، «یزدانی» و «روستایی»، در خاورمیانه در حوزه مناظره و پاسخگویی به شبهات بدیلی ندارند!!

مناظره‌ای که دو سه ماه قبل، آقای «ابوالقاسمی» با «عرعور» داشت، همه چیز را روشن کرد. «عرعور» یک کسی است که ۱۷-۱۸ سال، «هل من مبارز» می‌گفت. در شبکه «المستقله»، افرادی مثل «تیجانی» و دکتر «ابو زهرا» و غیره برای مناظره با او آمدند.

الان هم در شبکه‌ای به نام «شِداء» که برای خودش است، «هل من مبارز» می‌گوید و وهابی‌ها وقتی می‌خواهند یک نفر یا دو نفر را به عنوان یک عالم توانمند معرفی کنند اگر اولی «عدنان عرعور» نباشد، قطعاً دومی اوست!!

ایشان همین سه چهار ماه قبل، برای مناظره با آقای ابو القاسمی که آمد، ۲۰ دقیقه بیشتر طاقت نیاورد و فرار کرد و دیگر هم نیامد!! اصلاً برنامه‌اش را هم از آن شبکه حذف کردند!!

ایشان شب‌های چهارشنبه یک برنامه ثابتی داشت ولی بعد از این مناظره با آقای «ابوالقاسمی»، برنامه‌اش هم برای همیشه حذف شد!! حتی خود وهابی‌ها در فضای مجازی اعتراف کردند که «عدنان عرعور» از «ابوالقاسمی» شکست خورد.

دوستان دقت کنند که یک وقت بحث علمی مطرح است که شاید خیلی‌ها داشته باشند. ولی یک وقت، بحث روش و فن مناظره است، که هر کسی این توانمندی را ندارد!

یکی از مطالبی که من در این کتاب "منهج الإجابة عن الشبهات" آوردم که ان شاء الله عزیزان باید خوب دقت بکنند و خیلی هم مطلب مهمی هست، «المعرفة الكافية لتراث الخصم» هست. یعنی آدم با کسی که می‌خواهد مناظره بکند، باید آثار علمی‌اش را مطالعه کند. سخنرانی‌هایش را ببیند. مناظراتش را هم ببیند.

مثل فوتبال که وقتی می‌خواهند با یک تیمی بازی کنند، می‌آیند ۱۰- ۲۰ تا از بازی‌های آن‌ها را بررسی می‌کنند. توانمندی‌ها، نکات قوت و ضعف آن‌ها را کاملاً بررسی می‌کنند.

همین‌طوری ما نباید بنشینیم تا هر کس که می‌خواهد بیاید مناظره بکند، بیاید برای مناظره. طرف از خانه‌اش برای مناظره می‌آید ولی ما اصلاً خبر نداریم اطلاعاتش در چه حدی است؟ تسلطش در مباحث علمی چقدر است؟ تسلطش در فن مناظره چقدر است؟ لذا وقتی ما برای مناظره می‌رویم کم می‌آوریم.

انسان وقتی بخواهد با یک کسی بحث کند، باید ببیند که نقاط قوت طرف مقابلش چیست؟ نقاط ضعفش چیست؟ در برابر نقاط قوتش جواب آماده کند. و در برابر نقاط ضعفش هم حمله آماده کند.

مثلاً یکی از نکاتی که آقای «ابوالقاسمی» با «عدنان عرعور» داشت، در رابطه با بحث «توحید» بود. «عدنان» گفت: آقا بیایید درباره امامت بحث کنیم. آقای «ابوالقاسمی» گفت: امامت افضل است یا توحید؟ گفت: توحید افضل است! گفت: خب بیایید در رابطه با توحید بحث کنیم. آیا این توحیدی که شما دارید می‌گویید قضیه خدای موفرفری شما

چیست؟ یا خدای اَمرد که هنوز ریش در نیاورده چیست؟ «عدنان» گفت: آقا ما قبول نداریم. «ابوالقاسمی» گفت: «ابن تیمیه» می‌گوید روایتش صحیح است. «ابو یعلی» هم می‌گوید روایتش صحیح است. همه شما به این روایات استدلال می‌کنید.

شما اول خدای اَمرد و توحیدتان را درست بکنید بعد بیایید برای مناظره. هر کاری کرد جواب ندهد نتوانست. یعنی آقای «ابوالقاسمی» همان لحظه اول روی نقاط ضربه پذیر عدنان رفت. هر چه خواست فرار کند، ابوالقاسمی گفت: آقا اول این را حل کن! اول خدای امرد و مو فرفری‌تان را درست بکن، بعد به بحث دیگری می‌رویم.

لذا یکی از چیزهای که ما باید خوب به آن توجه داشته باشیم این است که ۲۰-۳۰ تا از نقاط ضربه پذیر این وهابی‌ها را آماده داشته باشیم. ان شاء الله اگر توفیق باشد این بحث‌ها که تمام شد، ما یکی دو جلسه، نقاط ضربه پذیری که این‌ها دارند و نمی‌توانند از آن بیرون در بیایند را مطرح می‌کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله